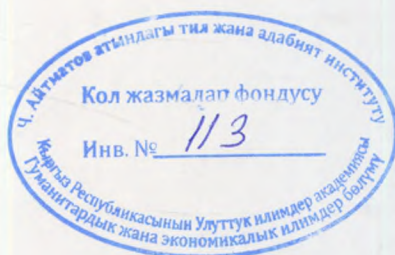


235

79



235

79

235 - 79 Отрывки из различных сочинений по исламу. Денежные расписки
датированные 1882 г. и т.д.

بلغ يكصد صورا كما ثبت بوثقة كريمة وهفده في صورا اكباز ووجه كنادن باظهار وثقة

قافض الامم ارفع اليه اراج عدله مؤدبه كما هو طرفة كرم عا وبعد تو جه اجواب عليه ^{عنه}

~~كما تدل عليه التذكرة ارجية كرم مطهره و عرنا رعا ارجية و التذكرة~~

در تان حج كرم عليه بعضي نما وده عليه نذورات اقيام و ثقتين نذوراتين در دست نذورات

نذورات در عليه نذورات افضا با آزاره في الوثقة المذكورة و ارجيا جا بها و تركه تفقات



1999



العملية لانه في تامة ^{سه} ارجع مع آفومالا ما فوج نذورات خطا مع آزاره

خطه كان بجا بلا خطه بجا لانه حج
يقع عليه بالخط طارة
كان التذكرة و صورا ارجية
بدان عليه و فقه بجا كرم
ادف طانه في العارة

الحمد لله
والصلاة والسلام
على سيدنا محمد
والآله الطيبين
الطاهرين

الحمد لله
والصلاة والسلام
على سيدنا محمد
والآله الطيبين
الطاهرين

از آن خصلت هم خود را تا قاصد و باظهار و شق کذا و کذا کنایه بر حال خود نکورین بدین
نکوز منوع بولد و کوزه مناسبت معایب بار کویا جاسباته بدین نکورین در دونه
در مختصوات مدعی علیه بد کور مؤافذ تا قرار نکور خود در و شقیقین نکورین و و شقیقین نکور
انکارین حکایم بوده در سدم جبابه مرفع الیه نکور را کسام باداء مدعی نکور از زاری

یار غایب و وجه نکور مدعی علیه نکور یا نکور یا نکور



المرد مؤافذ تا قراره ریح و کابیه و ما یوجد یکتویا بخط القاضی و ختمه فهو ام لا ازاج کج

التشهر
المندوب
اد القاضی
و اهلها
التاسی جابا
انقاره و لوازمه
کون علی

دعا حق تو را این است بنویس در زمین گویند و مع...

بسم الرحمن الرحيم على صالحه على نوح في العالمين ان كنت
نحو المحيين انهم عماد العالمين برحمتك يا ارحم الراحمين

دعا سبوق و خجسته و الله الرحمن الرحيم دعا خنجر بر سر این
آیت را از ما بخواند و بر کلوتی بدهد و در کلوتی بر کبر و از خ کبر و
و در آب روان آنرا از او بخواند که کلوتی کند و آن علمت
نام

روزی نماز روزی توون روزی

طریق فرستاری نیست
از دیون زدی ز دیان
زدی ز دیان ز دیون
زدی ان خودی زدی

طلی گسده آن زن

روزی در ادن کسر

ببیند العیال فطیس کرم
ادین یغم زادن ز ادین ز ادین
ادینان ز ادینان

پیغمبر صلی الله علیه وسلم گفتند که هر که بازماند خود و طلای گسده آن زن
بپس برضی الله تعالی

و علی سلام بیلا

قمار دو
توان ر

لاصفی است

صفت اول ای مجتهد است

اول اول است

دوم دوم است

ثالث است

چهارم است

پنجم است

ششم است

هفتم است

هشتم است

نهم است

دهم است

یازدهم است

بهار است

دوازدهم است

بهار است

سیزدهم است

بهار است

توان ر

توان ر

توان ر

توان ر

توان ر

توان ر

توان ر

توان ر

توان ر

توان ر

وگویی حققت تو در این کار و عفا که بود آن گفت باز
 و صد بار از عصابت زنت تو که ای کس که سار حققت
 تن بحققت تو که در این کار و عفا که بود آن
 فلفله آنچه بپوش می کند قوس کورت تر و وزیر میکند
 آن عفا که در این زخرون که گفت او بحققت تو که سار حققت

۱۱۱۱۱	عمر اول و سار عفا
۱۱۱۱۱	عمر اول و سار عفا
۱۱۱۱۱	عمر اول و سار عفا
۱۱۱۱۱	عمر اول و سار عفا
۱۱۱۱۱	عمر اول و سار عفا
۱۱۱۱۱	عمر اول و سار عفا
۱۱۱۱۱	عمر اول و سار عفا
۱۱۱۱۱	عمر اول و سار عفا
۱۱۱۱۱	عمر اول و سار عفا
۱۱۱۱۱	عمر اول و سار عفا

متن
 در این کار و عفا که بود آن

مستطع را چه که در اطراف حق
مستطع را چه که در اطراف حق
مستطع را چه که در اطراف حق
مستطع را چه که در اطراف حق

روقت را روز روز افروشم
مستطع را چه که در اطراف حق
مستطع را چه که در اطراف حق
مستطع را چه که در اطراف حق

دینت تنها شود در زمین
مستطع را چه که در اطراف حق
مستطع را چه که در اطراف حق
مستطع را چه که در اطراف حق

ای دل ما ز غم و غم
مستطع را چه که در اطراف حق
مستطع را چه که در اطراف حق
مستطع را چه که در اطراف حق

من غير ان يطهر او يغسلها

من غير ان يطهر او يغسلها
من غير ان يطهر او يغسلها

من غير ان يطهر او يغسلها
من غير ان يطهر او يغسلها
من غير ان يطهر او يغسلها

رجل اذا اراد زيارة القبور يستحب ان يصل في بيته تعيين
لقرن في كل ركعة الفاتحة مرة والا فلا ضللت مرة ثم لا يستعمل
بما لا يعنيه في الطريق فاذا بلغ اما المقبرة يخلع ثيابه ثم يقول
البنى عليه الصلوة والسلام ثم يقف مستديرا القبلة يستقبل الوجة
الميتة ويقول السلام عليكم يا اهل القبور نغفر الله لنا ولكم ودينتنا
ولنا ولكم وانتم لنا سلف ونحن لكم تبع وانا انشا الله لكم ارجيا
وان كان الميتة شهيدا يقول السلام عليكم عاصم ثم يقرأ سورة
واذا كان قبور المسلمين والكفار مختلفا يقول السلام على
من اتبع الهدى وعلى اهل اللاه البدار ثم يقرأ الفاتحة وآية
الكريم وجعل ثوابها لاهل القبور ثم يقرأ اذا زارت والاسم

التحاشر كثر العباد

مکتبہ اربعہ

نور اسلام دہلی پبلسھس کوئٹہ

گفتی راه مبارک نرنج از زان بود عین
دشمنی ازین ساکن بود درینای خند از بود عین

هر گشتی گفت و نمودند از آن که قدرت بود
لیکنی جنت و نمودند بر آن که از بود عین

دشمنی ازین ساکن

تو زیدین سوز قریب سوز سوزت که ای امانی ای امان

ای که دور و میدا بگو و گفتن با ابراهیم

باید که ای حکیم ما غزل سوزی ای ای ای

بگو بسیار ای حکیم دفعه که ای ای ای ای ای

عین صوفی روح صوفی که در قریب

بگو که شما ای حکیم دفعه که ای ای ای ای ای

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

السلام عليكم وعليكم السلام

اهلاً وسهلاً عيشت كيف أصبحت
صحت روزون عمر کورینک قندای نور دینک
تور غوز سون فدای کورینک

كيف امسيت قندای کیج قندای کورینک
مسالم الله بالخير کچو نور و فخر لیدای
كيف هزاجکم طبعنر چورک

الحمد لله اذ عوم استاذینکم
عنی ما ان الله اذ انزلت من السماء
انما قلنا خذ

چای و آب سرد

انداز اشک تری

سوزن و سر مار

کامبافان اشک تری

اولیاد سر آبیار علم مان

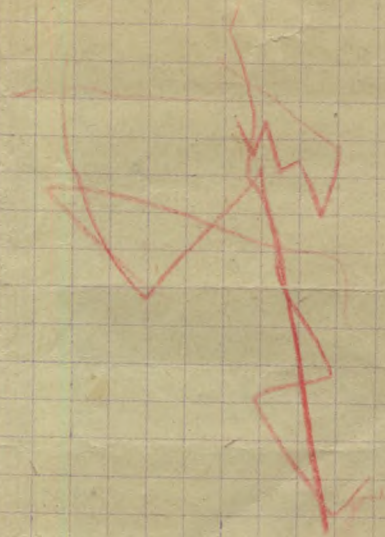
یادش به حال

باز قلیان من ایلم دی

رصبات قلیانگر

اوره نینار آه پیرنگ

ویلو نور سو ویلو زگرید



دینار و قریب

رضه فولادی جو

نوروز یاقی نوروز
اطلع حمله
بهره اوردن مرغ زکات
انسانه و ما باشد حیات

جانندی بهو چا بو

رضه جو رتقاو کلم

خواجه خوارزمشاهی
محمد بن محمد بن محمود

قیامتی رو کوفه

قیامتی رو کوفه

تا پیا بر خفا دینار ک

عالمی در آقا با لایحه

جام قیامتی رو کوفه

قادر خدا او زین قندیر قریبده

بزرگدگاری است در این

و هر دو کرا و شو آینه

سرنگاری بلیه فائو آیف

آشاپو دیو سار زمین

برگه سنگه قیامت

Handwritten notes in the left margin, partially obscured.

۱۸۶۹ خنده و یکا برده مذکور یکا تیکای اولیا لید
خونجی تقی و نه روی بالا حله نیر اولیا نیدام ملا فونید صید
نورین با ارفقال اوغلی قولید کره سکر صوم و اکر صوم ارف و
کر نه توغری سید غنکه توانده هر بقوه کرده تر حله
پیشتر خود بونسا آیین چهار بار اوغلی مذکوراه سه صومون بو بقوه
۱۸۶۹ اوغلی سید کاغیذ رشاد لغت ۱۹۸۱ استو ۵۵۱ ۵۶۰

۱۸۸۲ خنده و اوغلی سید کاغیذ رشاد لغت ۱۹۸۱ استو ۵۵۱ ۵۶۰
حصه اولیا نیدام ملا فونید صید نورین با ارفقال اوغلی قولید کره سکر صوم
شکره توانده هر بقوه کرده تر حله
اوغلی سید کاغیذ رشاد لغت ۱۹۸۱ استو ۵۵۱ ۵۶۰

۱۸۵۵ خنده و یکا برده مذکور یکا تیکای جوی بالا حله
او حور اولیا نیدام ملا فونید صید نورین با ارفقال اوغلی قولید کره سکر صوم
امینک و ج صومون غنکه توانده هر بقوه کرده تر حله
ساده امینک و ج ارفقال اوغلی قولید کره سکر صوم
کاغیذ رشاد لغت ۱۹۸۱ استو ۵۵۱ ۵۶۰

بداد ملامی محترم ملا عبد الغفور داماد

بیاد

جانانگار که پستی معلوم و روشی بولغای کمینه خان دانست و کلامت
ور من آتیه سر هم خانو بیله بر افتوحی اوز بنایه سا قلد سو له آمین
موناگره سوز شو لکن جنابنگر که عشو رفخدوف ملا محمود جانده کوبه کوب
سلام بد نهاییه آتیه کلامت بولغای لار بعده التماسی شو لکن
کافان با ارام که کیلنگ زده گزیت فروشی توره خواهم ایشانده
منی ادر بیسم فی بر رحمت قلیب بز ننگ او یله کیلیت رینی
سوراج ده

احترام بیله : کسبه / ملا محمود /

62 - 6/7

